هو اللّه تعالی شأنه العظمة و الاقتدار

ای امین بعنایت ربّ العالمین بافق مبین فائز شدی و باشراقات انوار جمال قدم در این نیّر ایّام موفّق گشتی امر در قبضهٴ قدرت حقّ بوده و خواهد بود بسا از نفوس را بعد از اقبال از ادنی مقام باعلی ذروهٴ امتناع که مقرّ تجلّی انوار وجه است کشاند و بافق ابهی رساند و بعضی را از اعلی علوّ بما اکتسبت ایدیهم به پست‌ترین مقام مقرّ دهد انّه یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید نیکو است حال نفسی که از کأس انقطاع در ایّام مالک ابداع نوشید و بخلوص تمام بخدمت سلطان انام قیام نمود چنانچه مشاهده مینمائی که بعضی از افق انقطاع بشأنی طالع شده‌اند که جز حقّ را مفقود و معدوم شمرده‌اند و از ما عندهم لما عند اللّه گذشته‌اند این نفوس اگرچه اقلّ از کبریت احمر بوده و خواهند بود ولکن در این ایّام بفضل رحمانی و عنایت ربّانی معدودی مشاهده میشوند که بکمال همّت در خدمت امر کمر بسته‌اند قدر این نفوس الیوم معلوم نه ولکن ونفسی الحقّ یجعلهم اللّه فی الظّاهر و الباطن مرجع کلّ ذکر خیر انّه لهو المقتدر القدیر

 من قبل المظلوم جمیع احباب را تکبیر برسانید وصیّت مینمایم جمیع بریّه را بر استقامت بر امر و دیانت و امانت که لم‌یزل و لایزال محبوب بوده طوبی لمن زیّن هیکله بقمیص الأمانة باید کلّ باین قمیص منیر فائز شوند تا جمیع من علی الأرض از عمل احبّای حقّ مهتدی گردند نفس عمل خیر هادی عباد بوده چنانچه مشاهده شد که از بعضی از احبّای الهیّه که بعضی اعمال حسنه ظاهر بنفس آن اعمال ناس اقبال نمودند و بشاطی بحر احدیّه متوجّه شدند شیئی بی‌رائحه خلق نشده از برای کلّ اشیاء عرفی بوده و خواهد بود طوبی لنفس یتضوّع منها عرف قمیص التّقدیس انّها من خیرة الخلق لدی الحقّ انّ ربّک لهو العلیم الخبیر نعیماً لک یا امین بما اقبلت و دخلت و حضرت و فزت و رأیت و سمعت ندآء ربّک العلیّ العظیم باید بحرارت محبّت الهی در هر بلدی چنان ظاهر و مشتعل باشی که کلّ از آن حرارت بحرکت آیند و بقلوب بشطر محبوب توجّه نمایند چه که سبیل رجل مقطوع است بما اکتسبت ایدی الظّالمین ای امین علّت حرکت حرارت بوده و علّت حرارت کلمة اللّه لذا باید احبّا بنار کلمهٴ الهیّه عباد را از شمال ظنون بیمین یقین کشانند و از حرارت کلمهٴ ربّانیّه چنان بحرکت آیند که از عوالم نفسیّهٴ فانیه بمعارج منیعهٴ باقیه عروج نمایند ای امین اگر ناس بآداب و اخلاق ربّانیّه که در الواح منزله ثبت شده عامل میگشتند هرآینه مشاهده مینمودی من علی الأرض را مقبلاً الی اللّه ربّک و ربّ العالمین

 و مقام تقدیس و تنزیه و اقبال و قرب و لقا با امورات ظاهره منافات نداشته و نخواهد داشت در این ظهور اعظم کلّ بکسب و اقتراف و صنائع متوکّلاً علی اللّه المهیمن القیّوم مأمورند و این حکم در الواح مؤکّداً نازل طوبی لمن فاز بما امر من لدن ربّه الحکیم العلیم افرح یا امین بما زیّنّاک بقمیص الأمانة ثمّ احفظ هذا المقام قل لک الحمد یا اله العالمین نسأل اللّه ان یوفّقک فی کلّ الأحوال و یؤیّدک علی ما اراد انّه ولیّ المحسنین ببعضی از بلایای این مسجون مطّلع شده‌ئی بر هر ذی بصری مبرهن است که در بحر بلایا متغمّسیم و تحت ایادی ظالمین جالس چه که با احدی از اعلی العباد من اهل الظّاهر و ما دونهم مداهنه در امر اللّه ننمودیم چنانچه از الواح منزله که برؤسای ارض ارسال شده مستفاد میشود لذا بر هر منصف بصیری واضح و معلوم است که جمیع آن نفوس سرّاً با کمال کین در قصد این ناطق مبین بوده و هستند و مع این امور در کلّ احیان ناس را بحقّ خوانده و میخوانیم اگر اقلّ من آن ناس در ما ظهر تفکّر نمایند بیقین میدانند که این امر بقدرة اللّه ظاهر شده و بکمال سلطنت و اقتدار الهیّه باهر گشته و ابداً بآسایش و راحت و خلاصی خود ناظر نبوده و نخواهد بود مثل او مثل عندلیبی است که تحت مخالب ظلم گرفتار شده

 ای اهل ارض بشنوید ندای این مظلوم را که خالصاً لوجه اللّه ندا مینماید و قدری در دنیا و حوادث و عواقب آن تفکّر نمائید و هم‌چنین در ما اشرق من افق الأمر و ما ظهر فی ایّامه شاید این‌قدر ادراک نمائید که صاحب ندا للّه میفرماید و بامر اللّه تکلّم مینماید تا از نعاق غافلین و ظنون متوهّمین چه نفوسی که باسم حقّ مذکورند و چه دون آن از مقامات باقیه ممنوع و محروم نمانید این مسجون را مثل هدف مشاهده نمائید و از جمیع اطراف سهام متوالیاً متواتراً بر او میآید ولکن از عنایت الهیّه تا حال محفوظ مانده و بعد الأمر بیده انّی احبّ ما احبّه و ارید ما اراده و اشتاق ما قضی اللّه لی لأنّ ما یظهر من عنده هو محبوبی و محبوب قلبی انّه خیر لی انّه لهو الغفور الرّحیم

 ای امین آنچه در حضور القا شد باید بکمال حکمت معمول داری اذا تمرّ علی البلاد قل

 یا الهی و سیّدی و محبوب فؤادی و رجآء قلبی و المذکور فی ظاهری و باطنی اسألک باسمک الّذی انفق نفسه فی سبیلک و حمل البلایا فی حبّک و اظهار امرک ان ترسل علی هذه الدّیار نفحات قمیص رحمتک و الطافک ای ربّ هؤلآء عبادک و هذه دیارک ولو انّهم احتجبوا بأهوائهم و بها منعوا عن التّوجّه الی شطر فضلک و الاقبال الی کعبة عرفانک ولکن انت الّذی سبقت رحمتک الکائنات و احاط فضلک الممکنات اسألک باسمک الباطن الّذی ظهر بسلطانک و جعلته مهیمناً علی من فی ارضک و سمائک ان لا تدع هؤلآء بأهوائهم انزل علیهم ما یجعلهم مقبلین الی شطر عنایتک و ناظرین الی وجهک فانظر الیهم یا الهی بلحظات رحمانیّتک و خذ ایادیهم بقدرتک و سلطانک اخرج یا الهی من جیب عنایتک ید قدرتک و بها اخرق الحجبات الّتی حالت بینهم و بینک لیسرعنّ کلّ الی شریعة قربک و یطوفنّ حول ارادتک و مشیّتک لو تطردهم من یخلّصهم من النّار یا نور السّموات و الأرضین

 و حسب الأمر هر یک از احبّای الهی را ملاقات نمودی متوجّهاً الی هذا الشّطر البتّه من قبل الحقّ امر برجوع نمائید چه که امر این ارض بسیار صعب شده و بی‌اذن هم حاصلی نخواهند برد این است حکم محکم امریّه که از قلم اراده باذن مالک بریّه جاری شده و البهآء علی من اتّبع الحقّ و سمع ما امر به

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۷ مه ۲۰۲٣، ساعت ۰۰:۵ بعد از ظهر